

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

دوره ۱۳، شماره ۲ (پیاپی ۲۵)، صفحات: ۱۳۵-۱۵۴

مقاله علمی ترویجی

اقبالیه کاشان؛ شواهد باستان‌شناسی از پهنه فرهنگی دشت کاشان

محسن جاوری*

مجید منتظر ظهوری**

چکیده

دشت کاشان یکی از مناطق مهم فلات مرکزی ایران از نظر سوابق ارزشمند تاریخی است. بر اساس بررسی‌های موردی و کاوش‌هایی که طی هشتاد سال اخیر در این منطقه به انجام رسیده، دوره‌هایی از دوره پارینه‌سنگی تا دوران اسلامی در قسمت‌های مختلف این محدوده جغرافیایی شناسایی شده است؛ با وجود این، برنامه‌های پژوهشی باستان‌شناسی انجام‌شده اعم از کاوش و بررسی سهم چشمگیری ندارند و در وهله نخست، اجرای برنامه‌ای برای بررسی دقیق و جامع باستان‌شناسی برای شناخت هرچه بیشتر وضعیت باستان‌شناختی آن ضروری است. برنامه گمانه‌زنی در محدوده اقبالیه، واقع در شمال غربی کاشان، یکی از فعالیت‌های صورت‌گرفته در چند سال اخیر است که یافته‌های باستان‌شناسی شناسایی‌شده آن شامل دوره‌های مختلف پیش از تاریخ، هزاره چهارم پیش از میلاد، دوره آهن، دوران تاریخی و دوره‌های مختلف اسلامی تا عصر حاضر است. در این مقاله بر آنیم به پرسش‌هایی نظیر ماهیت و چیستی و وضعیت باستان‌شناختی محدوده اقبالیه و یافته‌های حاصل از کاوش، همچنین دلیل پراکنش یافته‌ها و گسیختگی و آشفتگی نهشته‌ها پاسخی درخور ارائه دهیم. شواهد باستان‌شناسی حکایت از آن دارند که زمین‌های محدوده اقبالیه با توجه به موقعیت پست خود، همواره محلی برای ته‌نشست سیلاب‌های فصلی بخش‌های بالادست دشت کاشان است که مواد فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: محدوده اقبالیه، دشت کاشان، باستان‌شناسی، گمانه‌زنی.

* استادیار باستان‌شناسی دانشگاه کاشان / javeri@kashanu.ac.ir

** استادیار باستان‌شناسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / majidzohouri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۰

اقبالیه کاشان؛ شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان



۱. مقدمه

دشت فرهنگی کاشان محدوده‌ای وسیع در ایران مرکزی را شامل می‌شود که به‌لحاظ همسانی فرهنگی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل به‌طور کامل و بخش‌هایی از متهالیه شرقی استان مرکزی (نراق)، بخش‌هایی از شمال و شرق شهرستان نطنز و شمال شهرستان اردستان را در بر می‌گیرد. به‌لحاظ دیدگاه باستان‌شناسی این دشت شامل دوره‌هایی پارینه‌سنگی، نوسنگی، مس و سنگی، دوره مفرغ، دوره آهن و دوران تاریخی و اسلامی است (Hoseinzadeh and et al., 2017). پیوست سکونت و استقرار در این دشت غنی نشان از اهمیت بالای باستان‌شناسی در تبیین دیباچه فرهنگی این منطقه کلیدی در مرکز فلات ایران است.

محدوده اقبالیه در متهالیه شمال غرب شهر کاشان قرار دارد؛ بخشی از این محدوده در تملک کارخانه نساجی کاشان است. این زمین‌ها پس از واگذاری توسط شرکت نساجی به کارگران این کارخانه در ازای مطالباتشان، طی تصمیماتی بین مالکان و شهرداری کاشان برای محل انتقال صنایع آلاینده سطح شهر کاشان در نظر گرفته شد که به‌سبب تخصیص زمین‌های این بخش به متقاضیان این صنایع در دستور کار عمرانی شهری قرار گرفت و در نخستین گام، اقدام به استعلام از اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کاشان نمودند. به همین لحاظ در پی بررسی سطحی صورت‌پذیرفته توسط نگارندگان، گزارشی مبنی بر پراکندگی سفال در سطح محدوده اعلام کردند که طی آن، میراث فرهنگی در چهارچوب وظایف سازمانی خود برای حفظ و نگهداری از محوطه‌های تاریخی، با تدوین و ارائه برنامه پژوهشی با عنوان «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین وضعیت باستان‌شناختی محدوده اقبالیه کاشان» با اخذ مجوز از پژوهشکده باستان‌شناسی به شماره ۹۵۳۱۴۱/۰۰/۹۹۷ مورخ ۹۵/۲/۲۷ اقدام به این امر نمود و با ایجاد ۷ گمانه به ابعاد ۲×۲ در تمامی جهات محدوده، شروع به فعالیت‌های باستان‌شناسی برای روشن نمودن وضعیت این محدوده کرد. قبل از انجام برنامه کاوش با انجام یک پیمایش سطحی، محوطه مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه بقایای سفالی شامل قطعات متنوع سفال از دوره‌های مختلف اعم از پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تا معاصر که در آنجا پراکنده بود، جمع‌آوری شد. باید اذعان داشت که زمین‌های محدوده اقبالیه قابل کشت نیست و پیش از خرید این اراضی توسط شرکت نساجی، مدت‌ها محل واریز نخاله‌های شهری و خاک‌برداری‌های سطح شهر بوده که امروزه نیز برخی شواهد آن قابل مشاهده است.

۱-۱. پرسش‌های تحقیق

۱. یافته‌های باستان‌شناختی شناسایی شده در این محدوده به چه بازه‌های زمانی تعلق دارند؟

۲. آیا بقایای باستان‌شناختی در این محوطه در ارتباط با لایه‌های استقرار و نتیجه فرایندی زیستی در این بخش از دشت کاشان است یا چستی شکل‌گیری نهشته‌های حاوی مواد فرهنگی محصول فرایند جابه‌جایی طبیعی و انسانی است؟

۲. موقعیت جغرافیایی محدوده اقبالیه

محدوده اقبالیه حد فاصل ۳۴ درجه و ۱ دقیقه و ۲۹/۳ ثانیه طول شمالی و ۵۱ درجه و ۲۳ دقیقه و ۲۲ ثانیه عرض شرقی و ارتفاع ۹۵۰ متر از سطح دریا، در شمال غرب شهر کاشان قرار دارد که در ۱/۵ کیلومتری شمال غرب دانشگاه آزاد کاشان واقع شده است و همچنین در شمال دانشگاه کاشان و بلوار قطب راوندی در منتهالیه خیابان فرش گلستان قرار دارد (تصویر ۱ و ۲). محدوده اقبالیه دارای پلانی چندضلعی بوده که مساحتی حدود ۴۰ هکتار دارد و دورتادور آن دیواری آجری کشیده شده که طول دیوار بزرگ شرقی غربی آن ۹۳۶ متر و طول دیوار کوچک‌تر ۶۴۴ متر است (تصویر ۳).



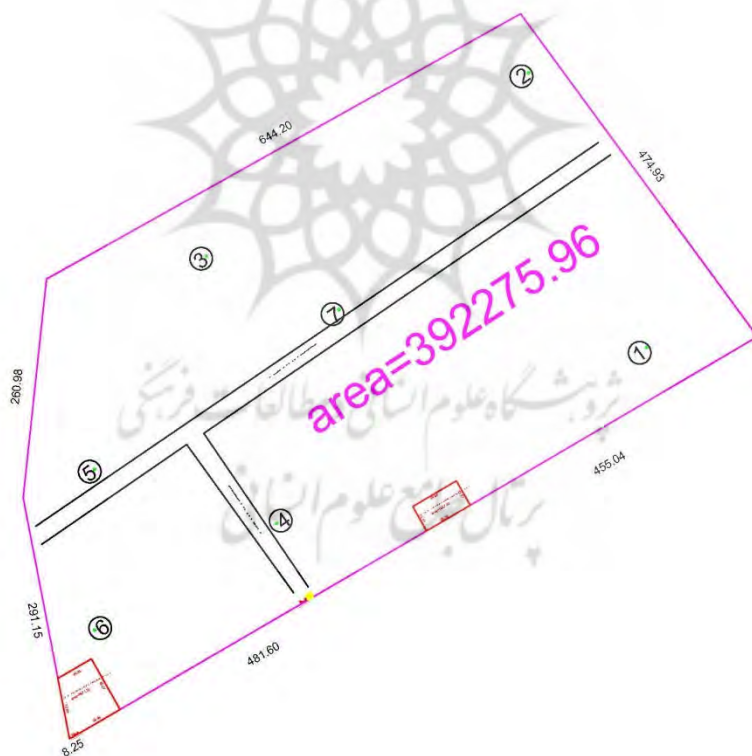
تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی زمین‌های محدوده اقبالیه در شهر کاشان

اقبالیه کاشان: شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان





تصویر ۲: موقعیت جغرافیایی محدوده اقبالیه نسبت به دانشگاه آزاد و بلوار قطب راوندی



تصویر ۳: نقشه محدوده اقبالیه همراه با ابعاد دیوارها و مساحت آن و تعیین موقعیت گمانه‌ها

کاشان‌شناسی
شماره ۲ (پای ۲۵)
پاییز زمستان ۱۳۹۹

۳. بررسی سطحی و وضعیت کنونی محدوده اقبالیه

این محدوده بین دیوار آجری محصور می‌باشد که دارای ورودی و اتاق نگهبانی در سمت دیوار جنوبی است. زمین‌های محدوده اقبالیه که قابل کشت نیستند و تمام سطح آن با سنگ‌های ریز و درشت پوشیده شده است، پیش از خریده شدن توسط شرکت نساجی، محل واریز نخاله‌ها و گودبرداری‌های شهری کاشان بوده که امروزه نیز هنوز برخی از نخاله‌های شهر در آنجا دیده می‌شود (تصویر ۴). پس از خرید این اراضی و دیوارکشی اطراف آن، اقدام به تسطیح این اراضی و واریزه‌های شهری کرده‌اند که خط ماشین‌های تسطیح‌کننده در برخی قسمت‌ها هنوز به چشم می‌خورد (تصویر ۵). پس از تسطیح اراضی، اقدام به خیابان‌کشی در جهات شمالی جنوبی و شرق غربی نموده‌اند که متقاطع هستند؛ البته دیواره شمالی جنوبی فقط در بخش جنوبی دیوار شرقی غربی است و در جهت شمال امتداد نیافته است.

در بررسی سطحی صورت گرفته در طی روند گمانه‌زنی مشخص شد که سفال‌های پراکنده در سطح محدوده اقبالیه که در برخی مکان‌ها دیده می‌شود، طیف سفال‌های سیلک III، عصر آهن (خاکستری و نخودی)، تاریخی و اسلامی (گیرشمن، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۹؛ کریمی و کیانی، ۱۳۶۴؛ گروه، ۱۳۸۴؛ Fehervari, 2000؛ Kennet, 2004؛ Priestman, 2005) را در بر می‌گیرد که پراکنشی آشفته و غیرمتعارف را نشان می‌دهد (تصویر ۶).



تصویر ۴: آشغال و نخاله‌های واریزی شهری در سطح محدوده اقبالیه

اقبالیه کاشان؛ شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان



تصویر ۵: تسطیح اراضی اقبالیه و آثار رد بیل‌های مکانیکی



تصویر ۶: برخی سفال‌های محدوده اقبالیه از دوره‌های پیش از تاریخی (عصر آهن) و اسلامی (ایلخانی و صفوی)

۴. موقعیت گمانه‌ها

طی روند بررسی باستان‌شناسی که در سطح محوطه صورت پذیرفت، با توجه به پراکندگی قطعات سفالی، مشخص کردن وضعیت لایه‌های باستانی در این محدوده در دستور کار قرار گرفت و بر همین اساس، ۷ نقطه برای گمانه‌زنی انتخاب شد که به منظور افزایش اطمینان برای تعیین وضعیت باستان‌شناختی محدوده، گمانه‌ها در تمامی محدوده اقبالیه طبق نقشه پیوست توزیع شد. از این رو دو گمانه در شرق، دو گمانه در شمال و جنوب، دو گمانه در غرب و یک

گمانه در مرکز محدوده اقبالیه مشخص شد که ابعاد گمانه‌ها با هدف دقت و فضای کافی داشتن ۲×۲ متر لحاظ گردید. بعد از میخ‌کوبی گمانه‌ها، نقشه‌برداری محل و تعیین موقعیت گمانه‌ها بر روی نقشه آغاز شد (تصویر ۳). روش کاوش به صورت لایه‌نگاری طبیعی و سیستم کانتکست انجام شد. در ادامه، شرح مختصری از نتایج حاصل از این کاوش بیان می‌شود.

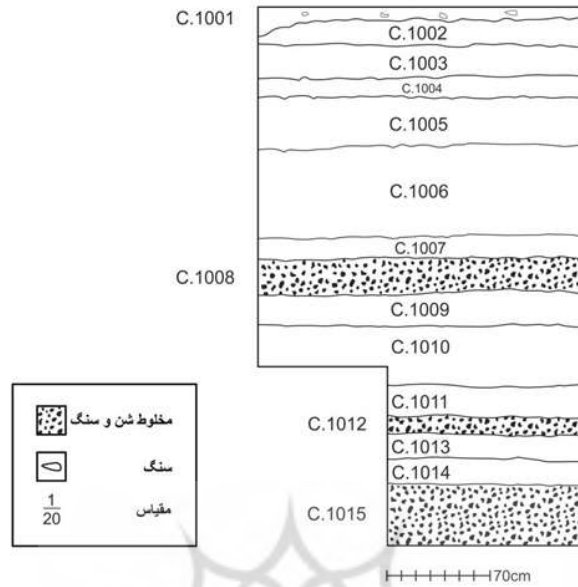
۱-۴. گمانه T.T.1

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در شرق زمین‌های اقبالیه واقع شده که هدف از کاوش در این بخش، روشن‌سازی وضعیت باستان‌شناختی محدوده شرقی اقبالیه است. این گمانه در یک قطعه زمین بایر قرار گرفته است. برای محاسبه و اندازه‌گیری سطح ارتفاع کانتکست‌ها، نقطه مبدأ (Bench mark) این گمانه، گوشه شمال‌شرقی انتخاب شد. در مجموع، کاوش در گمانه T.T1 با برداشت ۱۵ کانتکست در عمق ۳۲۵ سانتی‌متر به پایان رسید (تصویر ۷ و ۸). نوع بافت خاک به ترتیب عبارت‌اند از: شن ریز به همراه سنگ‌های کوچک رودخانه و خاک رسوبی به رنگ قهوه‌ای روشن با تراکم متوسط رو به سست، خاک قهوه‌ای روشن و کلوخی، لایه ماسه‌ای به رنگ قهوه‌ای تیره با تراکم زیاد و سست، لایه رسوبی سفت و متراکم به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز، خاک کلوخی متراکم به رنگ قهوه‌ای روشن، لایه ماسه‌ای فشرده، لایه رسی فشرده به رنگ قهوه‌ای، لایه شن رودخانه‌ای به همراه ریگ‌های کوچک و متوسط به رنگ تیره، لایه رسی فشرده به رنگ قهوه‌ای روشن، لایه ماسه‌ای متراکم به رنگ قهوه‌ای تیره و لایه شن همراه با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای به رنگ تیره؛ که همگی حاصل روند طبیعی شکل‌گیری لایه‌های

رسوبی طی سده‌های گذشته هستند. نکته مشهود در این لایه‌ها، وجود نداشتن یافته فرهنگی و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌هاست. بر همین اساس می‌توان این‌گونه استنباط کرد که جبهه شرقی محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ‌گونه شواهدی از لایه استقرار در این بخش وجود ندارد.



اقبالیه کاشان؛ شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان



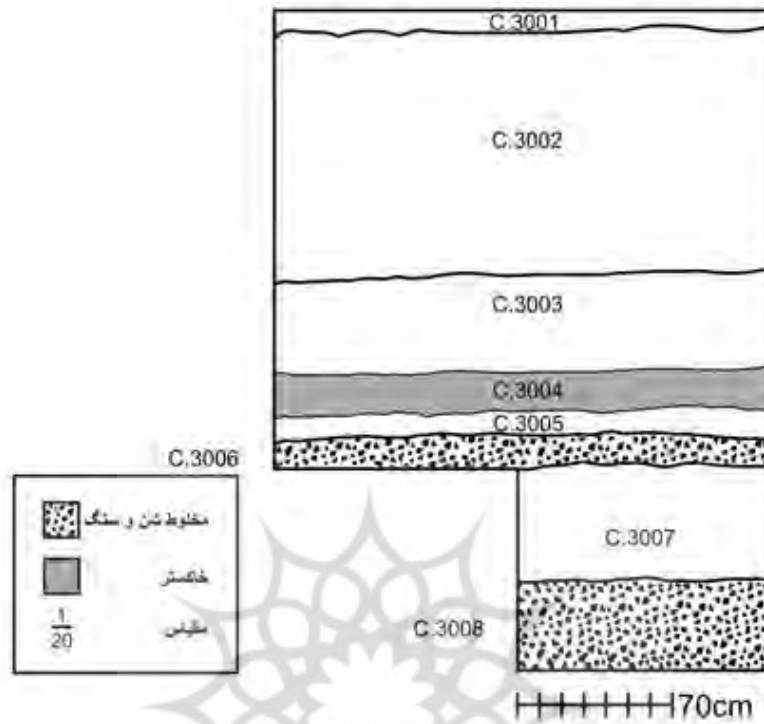
تصویر ۸: برش دیواره شمالی ترانشه ۱

۲-۴. گمانه T.T.2

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در شمال شرق زمین‌های اقبالیه واقع است که در نتیجه گمانه‌زنی، از نظر ترکیب لایه‌های متشکله با گمانه T.T.1 وضعیت مشابهی مبنی بر عدم وجود لایه تاریخی را نشان داد (تصویر ۹ و ۱۰) (طرح ۱).



تصویر ۹: نمایی از گمانه T.T.2 پس از اتمام کاوش



تصویر ۱۰: برش دیواره شمالی ترانشه ۲



طرح ۱: نمونه سفال‌های ترانشه ۲

اقبالیه کاشان: شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان

۳-۴. گمانه T.T.3

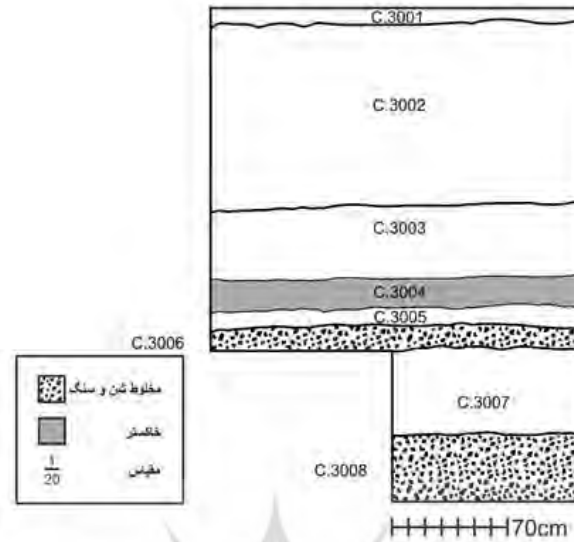
این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در مرکز و شمال محدوده اقبالیه انتخاب شد. در این گمانه در کانتکست ۳۰۰۲ که متشکل از خاک رسی فشرده است (که به صورت کلوخی از بستر خود جدا می‌شود)، بقایای تاریخی فرهنگی شامل ۳۱ قطعه سفال نخودی، ۱۲ قطعه سفال قرمز و ۴ قطعه سفال خاکستری همراه با چند قطعه پارچه جدید به دست آمد که نشان‌دهنده آشفستگی نهشته‌هاست و این کانتکست لایه فرهنگی محسوب نمی‌شود.

درست در زیر این لایه، کانتکست ۳۰۰۳ قرار گرفته و تمام سطح گمانه را در بر می‌گیرد. بالاترین نقطه این کانتکست نسبت به نقطه مبدأ اندازه‌گیری در گوشه شمال شرق گمانه ۱۱۰ سانتی‌متر و پایین‌ترین نقطه آن از نقطه مبدأ ۱۵۰ سانتی‌متر و به ضخامت ۴۰ سانتی‌متر است. خاک این کانتکست از توده خاک رسی فشرده که به صورت کلوخی از بستر خود جدا می‌گردد، تشکیل شده است. یافته‌های فرهنگی این کانتکست شامل ۱۴ قطعه سفال نخودی، ۷ قطعه سفال قرمز و ۷ قطعه سفال خاکستری است. با توجه به شواهد باستان‌شناختی و آشفستگی نهشته، این کانتکست لایه فرهنگی محسوب نمی‌شود.

در کانتکست ۳۰۰۴، این لایه در گوشه شمال شرق گمانه و در عمق ۱۵۰ سانتی‌متر قرار دارد که پایین‌ترین نقطه آن از نقطه مبدأ ۱۶۵ سانتی‌متر به ضخامت ۱۵ سانتی‌متر است و بقایایی از زغال و خاکستر از آن به دست آمد؛ این کانتکست فاقد یافته فرهنگی است. در زیر این لایه، یعنی در کانتکست ۳۰۰۵، توده خاکی فشرده که به صورت کلوخی از بستر خود جدا می‌شود، تشکیل شده است؛ از آن، ۱ قطعه سفال نخودی و ۱ قطعه سفال قرمز به دست آمد. در مجموع، کاوش در گمانه T.T.3 با برداشت ۸ کانتکست در عمق ۲۷۰ سانتی‌متر به پایان رسید. با توجه به نوع بافت خاک و



عدم شناسایی لایه استقراری و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌ها، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که جبهه شمالی در بخش مرکزی محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ‌گونه شواهدی از لایه استقراری در این بخش وجود ندارد (تصویر ۱۱ و (طرح ۲).



تصویر ۱۲: برش دیواره شمالی ترانشه ۳



طرح ۲: نمونه سفال‌های ترانشه ۳

۴-۴. گمانه T.T.4

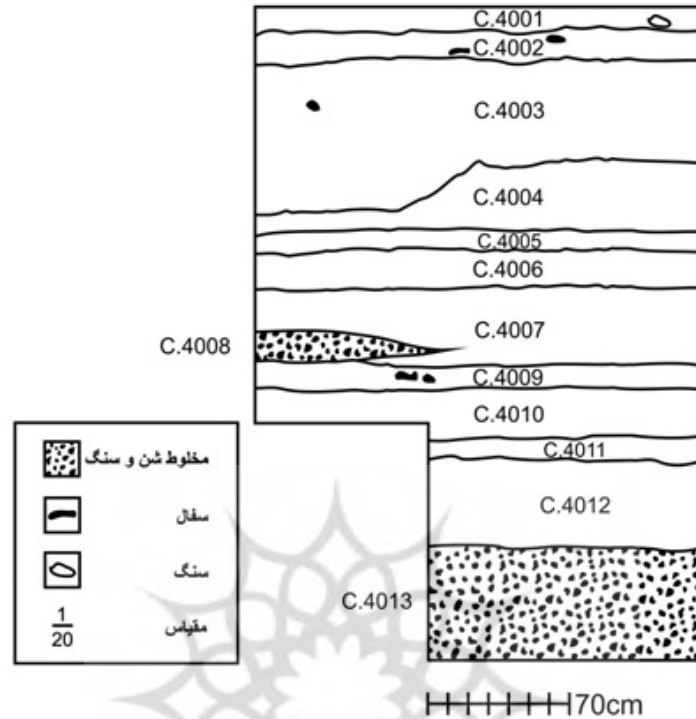
این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در جنوب بخش مرکزی محدوده اقبالیه انتخاب شد. در نتیجه گمانه‌زنی در این ترانشه در کانتکست ۴۰۰۲، در عمق ۲۵ سانتی‌متری که متشکل از شن نرم به رنگ قهوه‌ای روشن با تراکم پایین است، ۱۹ قطعه سفال نخودی، ۱ قطعه سفال قرمز رنگ و ۱ فرهنگ‌ی دشت کاشان اقبالیه کاشان؛ شواهد باستان‌شناسی از پهنه فرهنگی دشت کاشان

قطعه سفال خاکستری به دست آمد. یافت شدن بقایای پلاستیک در این کانتکست نشان‌دهنده مضطرب بودن این نهشته است. در زیر این لایه در کانتکست ۴۰۰۳ در عمق ۷۰ سانتی‌متری که حدود ۶۵ سانتی‌متر ضخامت دارد، لایه‌ای متشکل از خاک رسی فشرده همراه با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای موجود است که به صورت کلوخی از بستر خود جدا می‌شود. همچنین ۱۱ قطعه نخودی، ۲ قطعه سفال قرمز رنگ و ۱ قطعه سفال خاکستری در آن یافت شد. پیدا شدن مواد فرهنگی در این لایه رسی فشرده همراه با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای نشان‌دهنده آبرفتی و آشفته بودن این کانتکست است و این نهشته لایه فرهنگی و استقرار محسوب نمی‌شود.

در مجموع، کاوش در گمانه T.T.4 با برداشت ۱۳ کانتکست در عمق ۲۹۰ سانتی‌متر به پایان رسید (تصویر ۱۳ و ۱۴) (طرح ۳). با توجه به نوع بافت خاک و عدم شناسایی لایه استقرار و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌ها، می‌توان این گونه استنباط کرد که جبهه جنوبی در بخش مرکزی محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ گونه شواهدی از لایه استقرار در این بخش وجود ندارد و سفال‌های شناسایی شده در برخی کانتکست‌ها مربوط به لایه فرهنگی و برجای نبوده است.



تصویر ۱۳: نمایی از گمانه T.T.4 بعد از اتمام کاوش



تصویر ۱۴: برش دیواره شمالی ترانشه ۴



طرح ۳: نمونه سفال‌های ترانشه ۴

۵-۴. گمانه T.T.5

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در غرب محدوده اقبالیه انتخاب شد. در کانتکست ۵۰۰۲ این گمانه در عمق ۳۰ تا ۵۰ سانتی متری از کف، یافته‌های فرهنگی شامل ۱۴ قطعه نخودی، ۱۰ قطعه سفال

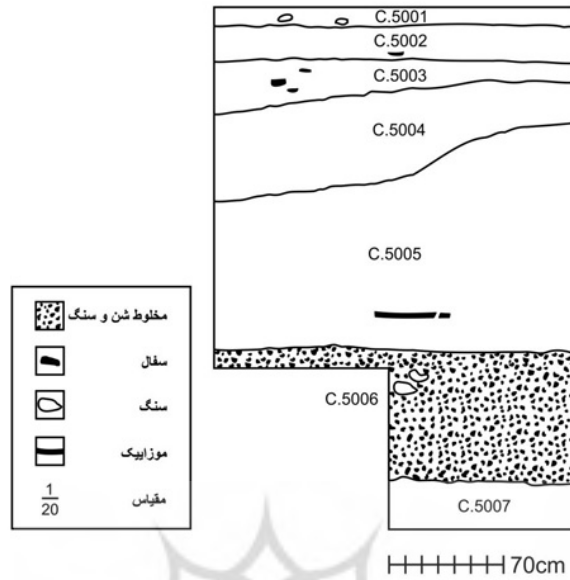
قرمز رنگ و ۵ قطعه سفال خاکستری به دست آمد؛ این سفال‌ها مربوط به عصر آهن و سفال‌های اقبالیه کاشان؛ شواهد دوره تاریخی به صورت توأمان است که نشان از مضطرب بودن این کانتکست دارد. باستان‌شناسی از پهنه فرهنگی دشت کاشان

در کانتکست ۵۰۰۳ در عمق ۶۰ تا ۹۰ سانتی متری، نخاله‌های سیمانی ساختمان همراه با دو قطعه سفال نخودی ساده به دست آمد که بدنه ظرف بودند. در زیر این لایه در کانتکست ۵۰۰۴ نیز یافته‌های فرهنگی شامل ۳ قطعه نخودی، ۲ قطعه سفال قرمز رنگ و ۷ قطعه سفال خاکستری به دست آمد؛ این سفال‌ها مربوط به دوره‌های مختلف عصر آهن و سفال‌های دوره تاریخی بوده که نشان‌دهنده مضطرب بودن این کانتکست است. همچنین در کانتکست ۵۰۰۵ یافته‌های فرهنگی شامل قطعات سفال بدین شرح به دست آمد: ۲ قطعه نخودی، ۱ قطعه سفال قرمز رنگ و ۴ قطعه سفال خاکستری؛ این سفال‌ها مربوط به دوره‌های مختلف عصر آهن و سفال‌های دوره تاریخی بوده که نشان‌دهنده مضطرب بودن این کانتکست است. در این کانتکست علاوه بر سفال، استخوان حیوانی و نخاله‌های ساختمانی شامل موزائیک‌های سیمانی در ابعاد ۳۰×۳۰ سانتی متر که ۲ قطعه موزائیک کامل و ۹ قطعه تکه‌های شکسته، گچ و تکه سیم‌های فلزی در عمق ۱۷۰ سانتی متری از مبدأ اندازه‌گیری نیز یافت شد که همگی بر آشفتگی این کانتکست و نهشته‌های پیشین صحنه می‌گذارد.

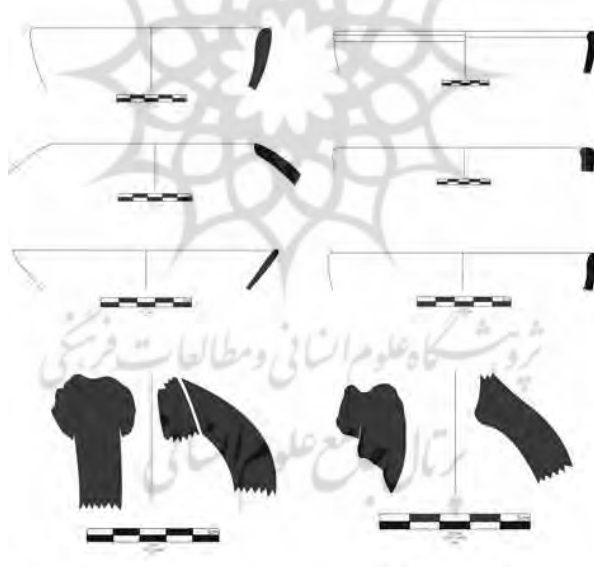
در مجموع، کاوش در گمانه T.T.5 با برداشت ۷ کانتکست در عمق ۲۸۵ سانتی متر به پایان رسید. با توجه به نوع بافت نهشته‌ها و عدم شناسایی لایه استقراری و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌ها، می‌توان این گونه استنباط کرد که جبهه غربی محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ گونه شواهدی از لایه استقراری در این بخش وجود ندارد (تصویر ۱۵ و ۱۶) (طرح ۴).



تصویر ۱۵: نمایی از گمانه T.T.5 بعد از اتمام کاوش



تصویر ۱۶: برش دیواره شمالی ترانشه ۵



طرح ۴: نمونه سفال‌های ترانشه ۵

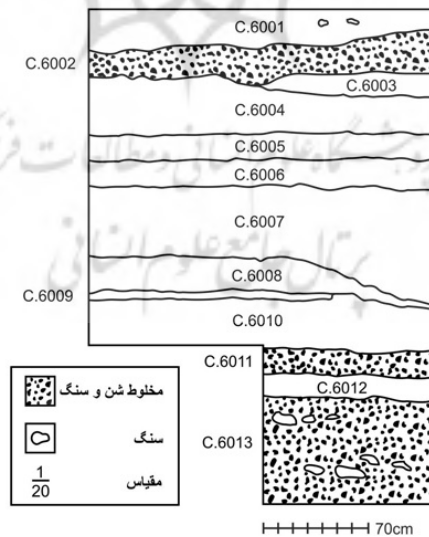
۶-۴ گمانه T.T.6

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در جنوب غرب محدوده اقبالیه انتخاب شد. در نتیجه کاوش در این گمانه، پس از لایه سطحی در کانتکت ۶۰۰۲ در عمق بین ۲۰ تا ۳۵ سانتی متری، بقایایی شامل اقبالیه کاشان؛ شواهد باستان‌شناسی از پهنه فرهنگی دشت کاشان

۴ قطعه سفال خاکستری، ۳ قطعه سفال نخودی و ۱ قطعه سفال قرمز رنگ به دست آمد. در مجموع، کاوش در گمانه T.T.6 با برداشت ۱۳ کانتکست در عمق ۲۸۰ سانتی متر به پایان رسید. با توجه به نوع بافت نهشته‌ها و عدم شناسایی لایه استقراری و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌ها، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که جبهه غربی در بخش جنوب محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ‌گونه شواهدی از لایه استقراری در این بخش وجود ندارد (تصویر ۱۷ و ۱۸) (طرح ۵).



تصویر ۱۷: تصویر نهایی گمانه T.T.6 پس از اتمام کاوش



تصویر ۱۸: برش دیواره شمالی ترانشه ۶



طرح ۵: نمونه سفال‌های ترانسه ۶

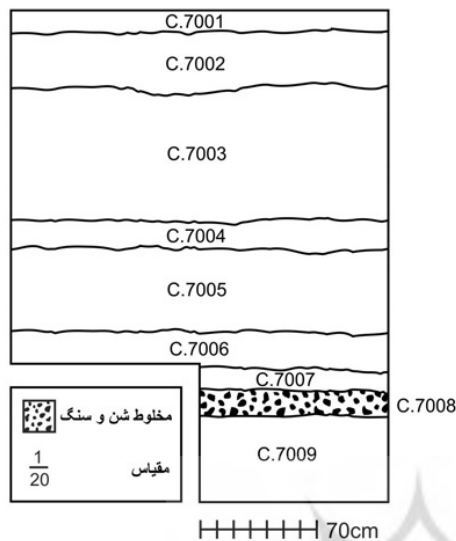
۷-۴. گمانه T.T.7

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در مرکز محدوده اقبالیه انتخاب و کاوش شد. در مجموع، کاوش در گمانه T.T.7 با برداشت ۹ کانتکست در عمق ۲۶۰ سانتی متر به پایان رسید. با توجه به نوع بافت خاک و عدم شناسایی لایه استقرار و همچنین مضطرب بودن کانتکست‌ها، می‌توان این گونه استنباط کرد که بخش مرکزی محدوده اقبالیه فاقد لایه فرهنگی بوده و هیچ گونه یافته فرهنگی و شواهدی از لایه استقرار در این بخش وجود ندارد (تصویر ۱۹ و ۲۰).



تصویر ۱۹: نمایی از گمانه T.T.7 بعد از اتمام کاوش

اقبالیه کاشان: شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان



۵. بحث و نتیجه‌گیری

باستان‌شناسی در محوطه‌های مستقر در محدوده شهری، در حیطه مطالعات باستان‌شناسی شهری که در راستای نجات محوطه‌های در معرض تهدید هستند، قرار می‌گیرد و اهمیت بیشتری نسبت به کاوش در فضاهای برون‌شهری دارد؛ در نتیجه، تأثیرگذاری آن در سطح کلان مؤثرتر خواهد بود و می‌توان با مدیریت صحیح، به هدف اصلی این رویکرد یعنی ادغام میراث فرهنگی با زندگی روزمره مردم دست یافت (Alpan, 2005: 3). در واقع داشتن برنامه‌ریزی منسجم در خصوص یافته‌های

فرهنگی ارزشمند در حوزه شهری، خود زمینه‌ساز توسعه پایدار شهری است. حال با رویکرد باستان‌شناسانه، گمانه‌زنی به‌منظور تعیین وضعیت باستان‌شناختی زمین‌های محدوده اقبالیه کاشان، با ایجاد ۷ گمانه ۲×۲ متر در جهات مختلف محدوده و کاوش در آنها به‌صورت لایه‌نگاری طبیعی به اتمام رسید. چنان‌که در گزارش هر گمانه ذکر شد، با وجود پراکندگی سفال در سطح محدوده و برخی کانتکست‌های گمانه‌ها، هیچ لایه فرهنگی در هیچ‌یک از گمانه‌ها در ارتباط با شواهد استقرار و محوطه باستانی، در این محدوده کاوش شده شناسایی نشد؛ هرچند کاوش در گمانه‌ها برای حصول اطمینان گاه ۲ تا ۳ متر در لایه‌هایی که فاقد هر گونه یافته فرهنگی بود، تا خاک بکر ادامه یافت. از طرفی، مضطرب بودن نهشته‌ها که گاه نخاله‌ها و واریزه‌های امروزی همانند قطعات موزائیک، تکه‌های سیمان، قطعات کوچک پلاستیک که در مواردی در عمق حدود ۲ متری به دست آمدند، نشان از آشفتگی لایه‌های خاک این محدوده است. سفال‌های سطحی محدوده، طیف زمانی سیلک III (گیرشمن، ۱۳۷۹)، عصر آهن (Ghirshman, 1935) و دوران تاریخی و اسلامی (ایلخانی تا صفوی) (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴) را در بر می‌گیرد که از الگوی پراکنش منظمی برخوردار نیست و خود نشان از آشفتگی لایه سطحی محدوده اقبالیه دارد. در پاسخ به پرسش‌های تحقیق، چنان‌که در گزارش‌های مربوط به گمانه‌زنی بیان شد، در این

محدوده هیچ لایه و نهشته دارای ارزش فرهنگی و باستان‌شناختی، شناسایی نشد و نهشته‌های موجود حاصل روند طبیعی زمین‌شناختی به‌خصوص سیلاب‌ها و رسوب‌گذاری‌های طبیعی و نیز گاهی ناشی از دخالت‌های انسانی دوران معاصر از قبیل انتقال و حمل نخاله و آوار ساختمانی است. همچنین بر اساس نمونه‌های جمع‌آوری‌شده از سطح و همچنین یافته‌های به‌دست‌آمده از کاوش، محرز شد که با توجه به آشفتگی و گسیختگی لایه‌ها و عدم شناسایی لایه فرهنگی، یافته‌های موجود به این محل تعلق ندارند و فاقد هرگونه اصالت از نظر لایه‌نگاری باستان‌شناسی هستند؛ به‌عبارت دیگر، هیچ کدام از یافته‌ها در نهشته‌های فرهنگی قرار ندارند و به لایه باستانی منتسب نیستند. حال با توجه به عدم شناسایی لایه‌های فرهنگی و استقرار در محدوده اقبالیه، دو علت را می‌توان برای پراکندگی سفال‌های سطحی و همچنین سفال‌های موجود در برخی کانتکست‌های گمانه‌ها ارائه کرد:

۱. از نظر آب‌وهوایی، زمین‌های پایین‌دست دشت کاشان همانند محدوده اقبالیه به‌دلیل همجواری با دشت کویر و دوری از دامنه کوه‌ها، دارای آب‌وهوای خشک بیابانی همراه با نوسانات شدید درجه‌حرارت و میزان ناچیز بارش است؛ از این رو فاقد آب‌های سطحی قابل توجه بوده ولی از طرفی، در معرض سیلاب‌های مهیب بهاری و نیز حرکت ریگزار قرار دارد (کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۲۰۸ و ۲۰۹). با توجه به این مطلب می‌توان اذعان داشت سفال‌های موجود در سطح و برخی لایه‌ها محصول فرایند شستگی سیلاب‌ها بوده که این سفال‌ها را در دوران مختلف از مناطق باستانی بالادست دشت کاشان واقع در کوهستان‌های جنوبی که در مسیر سیلاب بوده، به این منطقه انتقال داده است. با توجه به شناسایی نهشته‌هایی که مخلوط شن و سنگ‌های رودخانه‌ای است و در ترسیم برش دیواره‌های گمانه‌ها مشهود است، این نهشته‌ها می‌توانند در اثر این سیل‌های مهیب ایجاد شده باشند؛ این فرضیه می‌تواند یکی از دلایل انتقال سفال‌ها به این منطقه باشد؛ چنان‌که برخی از این سیل‌های بزرگ که در دوران معاصر اتفاق افتاده، شاهدی بر این مدعاست. یکی از این سیل‌های مهیب، در سال ۱۲۸۳ قمری اتفاق افتاده که آقای کلانتر ضرابی به آن اشاره کرده است (کلانتر ضرابی، همان‌جا، نقل‌شده از سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). همچنین باید یادآور شد محوطه نجف‌آباد که در دشت کاشان قرار دارد و دکتر رضا نوری شادمهانی آن را گمانه‌زنی کرده، وضعیتی مشابه زمین‌های محدوده اقبالیه داشته است. محوطه نجف‌آباد نیز دارای پراکندگی سفال در سطح بوده که گمانه‌زنی در این محوطه مشخص کرد هیچ لایه استقرار در ارتباط با این سفال‌های سطحی در محوطه وجود ندارد (نوری شادمهانی، ۱۳۹۴).

اقبالیه کاشان: شواهد
باستان‌شناسی از پهنه
فرهنگی دشت کاشان

۲. چنان‌که در بخش وضعیت زمین‌های محدوده اقبالیه ذکر شد، این اراضی پیش از خریده شدن توسط شرکت نساجی و دیوارکشی اطراف آن، محل ریختن خاک گودبرداری‌ها، واریزه‌ها و نخاله‌های شهری بوده که امروزه نیز بقایای آن در سطح محدوده دیده می‌شود که بخش بیشتری آن تسطیح شده است. یکی از علل وجود این سفالینه‌ها در این محدوده می‌تواند انتقال خاک گودبرداری سایر محل‌ها که دارای یافته فرهنگی بوده‌اند به این محل باشد.

منابع

۱. سعیدی، عباس (۱۳۸۶)، «آران و بیدگل» در *دانشنامه ایران*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف اسلامی، جغرافیای آبادی‌ها ۴۹/۲، (ص ۱۲۸-۱۲۹).
۲. کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۴)، *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
۳. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، *تاریخ کاشان*، تهران: نشر سپهر.
۴. گروبه، ارنست (۱۳۸۴)، *سفال اسلامی* (جلد هفتم از گزیده ده جلد مجموعه هنر اسلامی گردآوری ناصر خلیلی)، ترجمه فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ.
۵. گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، *سیلک کاشان*، جلد اول، برگردان اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۶. _____ (۱۳۸۹)، *سیلک کاشان*، جلد دوم، برگردان اصغر کریمی و آریتا همپارتیان، کاشان: نشر مرسل.
۷. نوری شادمهانی، رضا (۱۳۹۴)، *گزارش گمانه‌زنی محوطه نجف‌آباد کاشان* (حفاری آموزشی دانشگاه کاشان).
8. Alpan, A. (2005), *Integration of Urban Archaeological Resources to Everyday Life in the Historic City Centers Tarragona*. (Master dissertatio). Graduate School of Natural and Applied Sciences, Middle East Technical University, Ankara / TURKEY. 119 pages
9. Fehervari, G. (2000), *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, London: I.B Tauris Publishers.
10. Ghirshman, R. (1935), "Rapport préliminaire sur les fouilles de Tépé Sialk, près de Kashan (Iran)", Syria. Archéologie, Art et histoire.
11. Kennet, D. (2004), *Sasanian and Islamic pottery from Ras al-Khaimah* (e-Book version). Classification, chronology and analysis of trade in the Western Indian Ocean. Durham University.
12. Hoseinzadeh J., Javeri M., Montazerzohouri M., Banitaba A., Nori Shadmahani R., Makvandi L., and Soltysiak A. (2017), "A palimpsest grave at the Iron Age cemetery in Estark-Joshaqan, Iran", *Antiquity*, vol. 91, issue 359.
13. Priestman, S. (2005), *Settlement and Ceramics in the Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection*. Unpublished M.A. Thesis: University of Durham.